

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستاره‌ها چشمک می‌زنند

(اشعار کوتاه)

اعظم کریمی

سرشناسه:	کریمی - اعظم، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور:	ستاره‌ها چشمک می‌زنند (شعار کوتاه) / شاعر: اعظم کریمی
مشخصات نشر:	ایرا هستان - ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری:	ص. ۸۸
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۸۸۷۶۸-۳-۲
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	شعر فارسی -- قرن ۱۵ -- ۲۱st century Persian poetry
رده‌بندی کنگره:	PIR۸۳۵۸
رده‌بندی دیویی:	۸۱۵/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۱۰۲۵۴۹۳۴

نام کتاب: ستاره‌ها چشمک می‌زنند
 شاعر: اعظم کریمی
 ناشر: انتشارات ایرا هستان
 نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
 شمارگان: ۵۰۰ جلد
 قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۸۸۷۶۸ - ۳ - ۲



انتشارات ایرا هستان: ۰۹۱۷۳۸۲۷۰۰۲ - irahestanpub@gmail.com

شور،

آمد و ترانه ریخت

نور،

آمد و ستاره بیخت

خوب شد،

آبروی عشق

این وسط نریخت!

جامه‌اش را بگو دستی بیاورد

به دشتی که منم

—دست باد—

به درمان دردی حادا!

تو!

صُبْحَتِ سرودن

و شَبْتِ درودن!

«تو»

نباشی گرفتارِ نبودن!

امروز

«همین حال!»

تندرست از شاخه بیفت،

تا در قلب دستم جا بگیری

سرخ

«ناکال!»

آن که خوش

از کنار دست‌های من پرید،

(او کبوتری ست)

نامه‌های عاشقانه‌اش کسی ندید؟

مثل عشق

هیچ‌کس ترانه‌ای نخوانده است

جای اخم عشق

روی زخم تارهای کهنه مانده

است.



پر بزن که سنگ
ناگهان پرید و کوه شد
نزد آسمان، زمین
مادر شکوه شد!



مثل قهوه تلخ

مثل قصه‌ها شنیدنی‌ست

داستان عاشقان بلخ!

آخم کود کانه اش

-رنگ چشم زاغ-

آتشی ست

پشت دست‌های داغ!

خنده‌های نازکش

سیم شد

و خاردار

بعد از آن

چشم من همیشه باردار!

غم زیاد شد

شدید!

توی مهمانی‌ها،

کفش عشق رفته را کسی ندید؟